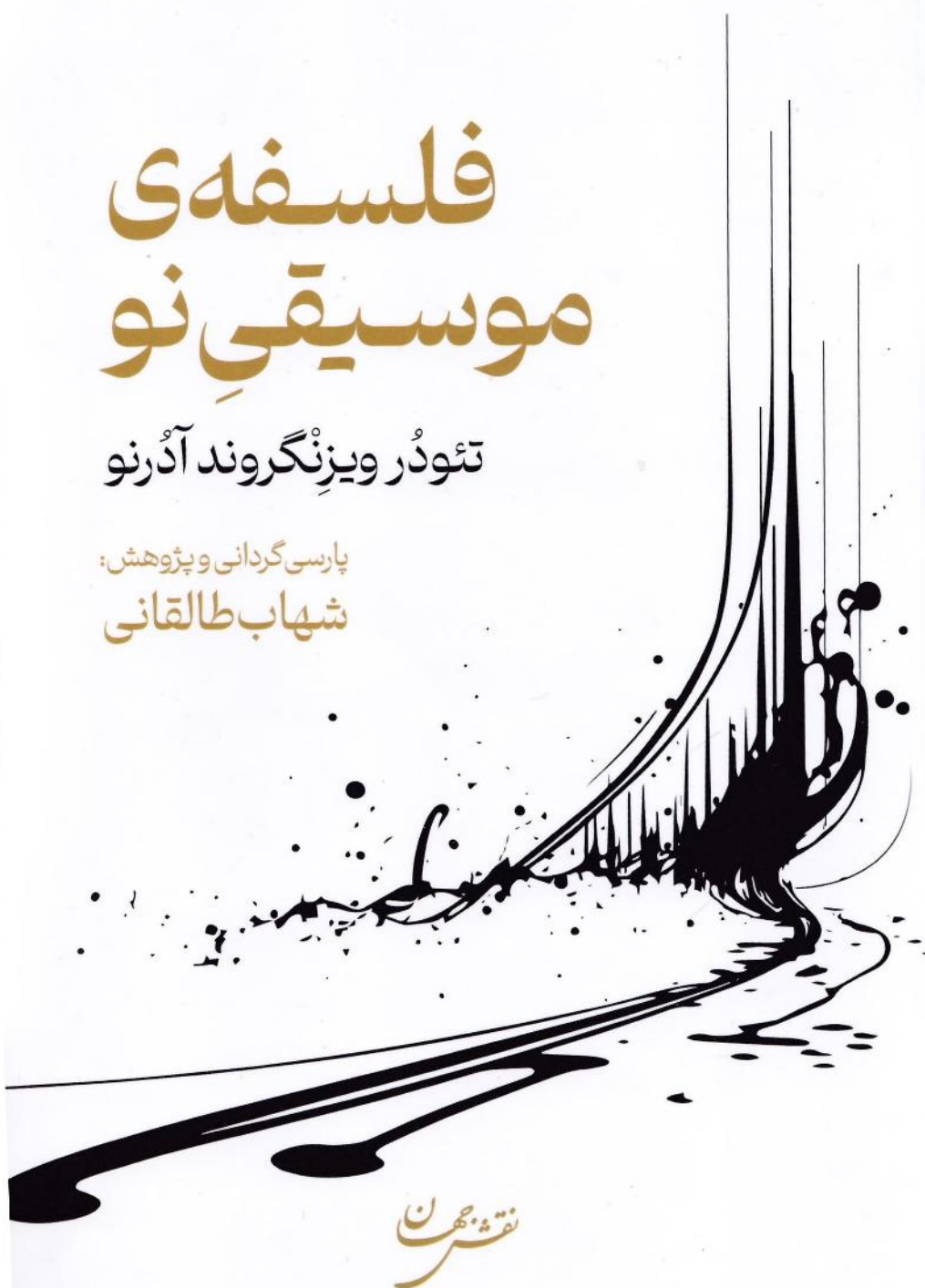


فلسفہ ی موسیقی نو

تئودر ویزنگروند آڈرنو

پارسی گردانی و پڑوہش:

شہاب طالقانی



نقشہ

سرشناسه	: آدورنو، تئودور دبلیو.، ۱۹۰۳-۱۹۶۹م.؛ Adorno, Theodor W.
عنوان و نام پدیدآور	: فلسفه‌ی موسیقی نو / نویسنده: تئودور ویزنگروند آدرنو؛ پاریسی گردان و پژوهش: شهاب طالقانی
مشخصات نشر	: تهران: نقش جهان مهر، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۵۴۴ص: ۵/۱۴×۲۱/۵س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۵۱۰-۴-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
عنوان اصلی	: Philosophie der neuen musik, 1949.
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: موسیقی -- قرن ۲۰م -- تاریخ و نقد: Music -- 20th century -- History and criticism
موضوع	: شونبرگ، آرنولد، ۱۸۷۴-۱۹۵۱م.؛ Schoenberg, Arnold
موضوع	: استراوینسکی، ایگور، ۱۸۸۲-۱۹۷۱م؛ Stravinsky, Igor
موضوع	: موسیقی -- فلسفه و زیبایی‌شناسی: Music -- Philosophy and aesthetics
شناسه افزوده	: طالقانی، شهاب، ۱۳۶۶ - مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ML۱۹۷
رده‌بندی دیویی	: ۷۸۰/۹۰۴
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۹۹۵۱۳۷۲

نقش جهان

تئودور ویزنگروند آدرنو

فلسفه‌ی موسیقی نو

ترجمه: شهاب طالقانی

صفحه‌آرا: مسعود نیک‌طبع

طراح جلد: علی اسکندری

چاپ اول: ۱۴۰۴

شمارگان: ۵۵۰

تمام حقوق چاپ محفوظ و متعلق است به:

نشر نقش جهان مهر

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین،

خیابان وحید نظری، کوچه جاوید یک، شماره ۱

تلفن و نمابر: ۶۶۴۷۵۴۴۷-۴۸

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۵۱۰-۴-۷

فهرست

۹	راهنمای نمادهای اختصاری واژگان بیگانه
۱۱	پیش درآمد (گفتار پارسی گردان)
۱۱	زندگی و آثار تنوذر آذر نو
۲۲	مکتب فرانکفورت
۲۵	نظریه‌ی انتقادی
۳۳	دیالکتیک منفی
۴۱	صنعت فرهنگ
۴۸	زیبایی‌شناسی
۶۰	موسیقی نو
۶۲	تعریف نوگرایی در موسیقی و تاریخچه‌ی آن
۶۸	ابزارها و سبک‌های آهنگ‌سازی
۷۷	برداشت‌بنیادی در موسیقی
۷۸	ویژگی‌های آهنگ‌سازی برداشت‌بنیادانه
۸۰	مکتب دوم وین
۸۲	بیان‌بنیادی در موسیقی
۸۳	بیان‌بنیادی در آثار آرنولد شوئنبرگ
۸۶	بیان‌بنیادی در آثار آنتون وبرن و آلبان برگ
۸۸	بدوی‌گرایی
۹۱	کلاسیک‌گرایی نو

۹۲	آهنگ‌سازان کلاسیک نو و آثارشان
۹۶	گروه بیش و مکتب دازمشتات
۹۸	مفاهیم بنیادین موسیقی نو
۱۱۰	آذرنو و موسیقی نو
۱۱۹	نکاتی درباره‌ی برگردان پارسی
۱۲۹	موسیقی نو یا موسیقی مُدرن؟

فلسفه‌ی موسیقی نو

۱۳۳	پیش‌گفتار
۱۳۹	درآمد
۱۳۹	برگزینش موضوع سخن
۱۴۲	همگان‌گرایی نو
۱۴۶	آگاهی کاذب موسیقایی
۱۵۱	«اندیشه‌بنیادی»
۱۵۷	موسیقی بنیادگرا نیز مَصون نیست
۱۶۰	خلاف‌آمدها و تعارضات موسیقی نو
۱۶۳	بی‌اعتنایی
۱۶۸	درباره‌ی روش
۱۷۴	یادداشت‌های درآمد

بخش نخست: شوئنبرگ و پیشرفت

۱۸۱	تزلزل معنای اثر هنری
۱۸۴	گرایش و تحولات سازمایه
۱۹۰	نقد شوئنبرگ به نمود ظاهری و بازی
۱۹۶	دیالکتیک تنهایی
۲۰۲	تنهایی به‌مثابه سبک هنری
۲۰۴	بیان‌بنیادی به‌مثابه عینی‌نگری
۲۰۸	سازماندهی کاملِ مؤلفه‌ها و بنیان‌ها

فهرست ❖ ۷

۲۱۱	بسط و گسترش تام و تمام
۲۱۹	انگاره‌ی تشنیک دوازده‌طنینی
۲۲۳	فرمان‌روایی موسیقایی بر طبیعت
۲۲۷	بازگشت به ناآزادی
۲۳۲	نغمه‌ها و ضرب‌آهنگ‌های دوازده‌طنینی
۲۳۸	تمایزگذاری و ساده‌سازی
۲۴۳	هم‌آهنگی
۲۵۲	صدادهی سازها
۲۵۵	نُت‌برابرت‌نویسی دوازده‌طنینی
۲۶۱	کارکرد نُت‌برابرت‌نویسی
۲۶۳	صورت موسیقایی
۲۷۵	آهنگ‌سازان
۲۸۵	پیشرو و آموزه
۲۹۱	روی‌گردانی از سازمایه
۳۰۰	ویژگی شناختاری
۳۰۶	نسبت با جامعه
۳۱۳	یادداشت‌های بخش نخست

بخش دوم: ستراوینسکی و احیاگری

۳۲۹	اصالت
۳۳۲	بی‌قصدبودگی و قربانی
۳۳۸	اُرگی جعبه‌ای به مثابه آغازین پدیده
۳۴۰	«آیین پرستش بهار» و تندیس سیاه‌پوست
۳۴۴	عناصر تشنیکی در «آیین پرستش بهار»
۳۴۹	«ضرب‌آهنگ»
۳۵۳	این‌همانی با جمعیت
۳۵۶	کهنه‌گرایی، نوگرایی، کودک‌خویی
۳۶۳	واپس‌روی مدام و پیکره‌ی موسیقایی

۳۶۶	بعد روان‌پیشانه
۳۶۷	آیین پرستش
۳۷۰	بیگانه‌گشتگی به‌مثابه عینی‌نگری
۳۷۱	بُت‌واره‌انگاری ابزار
۳۷۴	شخصیت‌زدایی
۳۷۶	جنون جوانی
۳۷۸	خُشک‌ماندگی
۳۸۲	نوشتن موسیقی از روی موسیقی‌های دیگر
۳۸۵	طبیعت‌زدایی و ساده‌سازی
۳۸۹	فروگسستِ زمان
۳۹۴	موسیقی به‌مثابه نمود کاذبِ نقاشی
۳۹۶	نظریه‌ی موسیقی باله
۴۰۰	سنخ‌های گوناگون شنیدن
۴۰۴	فریب عینیت‌بنیادی
۴۰۷	آخرین ترفند
۴۱۱	کلاسیک‌گرایی نو
۴۱۵	در پی بسط و گسترش
۴۱۹	شوئنبِrg و شتراوینسکی
۴۲۵	یادداشت‌های بخش دوم
۴۴۳	فهرست آثار برگزیده
۴۴۷	یادداشت
۴۴۹	پیوست: کژفهمی‌ها
۴۵۵	واژه‌نامه‌ی آلمانی به پارسی
۵۱۵	نمایه‌ی مفاهیم فلسفه و علوم انسانی
۵۲۶	نمایه‌ی مفاهیم موسیقی و هنر
۵۳۵	نمایه‌ی نام کسان، کتاب‌ها و آثار موسیقی

پیش‌درآمد

گفتارِ پارسی‌گردان

هیچ‌کس نیست که با فرشته‌ی نثر آدِرْنو پنجه در پنجه افکند،
اما استخوان‌های بدن‌اش درنرود و نشکند.
هازوی گُروس^۱

زندگی و آثار تنوُدر آدِرْنو

تنوُدر ویزَنگروند آدِرْنو^۲ (۱۹۰۳-۱۹۶۹) از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین چهره‌های مکتب فرانکفورت در آلمان و همچنین بنیان‌گذار «نظریه‌ی انتقادی»^۳ این مکتب بود. وی در زمینه‌ها و موضوعاتی چون فلسفه، فرهنگ، جامعه، روشن‌گری^۴، نوگرایی یا مُدرنیته، زیبایی‌شناسی و همچنین ادبیات، اندیشید و قلم فرسود؛ اما به جرئت می‌توان ادعا کرد که بیش از هر مسئله‌ی دیگری، به موسیقی و فلسفه‌ی آن پرداخت. از میان تمامی نظریه‌پردازان اجتماعی تأثیرگذار در سده‌ی بیستم، هیچ‌یک به اندازه‌ی آدِرْنو درباره‌ی موسیقی پژوهش نکرده و هیچ‌یک از تحلیل‌گران حوزه‌ی موسیقی نیز نتوانسته تأثیری را

1. Harvey Gross, "Adorno in Los Angeles: The Intellectual in Emigration," Humanities in Society 2 no. 4 (Fall 1979), p. 350 n. 1.

2. Theodor Wiesengrund Adorno.

3. Kritische Theorie (Ger.)/Critical Theory (Eng.)

4. Aufklärung (Ger.)/Enlightenment (Eng.)

که او در موضوعات و زمینه‌های مرتبط با موسیقی گذاشته، تکرار کند. وی سهمی بسزا در توسعه و گسترش جامعه‌شناسی کیفی موسیقی ایفا نموده و در حوزه‌ی زیبایی‌شناسی موسیقی، و به‌طور کلی زیبایی‌شناسی نیز ژرف‌ترین پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی‌ها را در سده‌ی گذشته به انجام رسانده است. دانش بی‌نظیر او در زمینه‌ی موسیقی، با توجه به این نکته که خودش آهنگ‌ساز و پیانونواز بود، و همچنین وسعت شناخت ژرف وی از تاریخ موسیقی، بارها شگفتی هم‌عصران و هم‌قطارانش را به دنبال داشته است. رابرت هالت-کنتیر^۱، انگلیسی‌گردان کتاب فلسفه‌ی موسیقی نو، در پیش‌درآمدی که در آغاز برگردان خود نگاشته، به این نکته‌ی جالب اشاره نموده که تنها فیلسوفی که پس از فیثاغورس، حرف تازه‌ای برای گفتن در زمینه‌ی موسیقی داشته، آدِرِنو است و نیچه^۲ در مقایسه با او، نوآموزی بیش نیست.

آدِرِنو در ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۳ در شهر فرانکفورت آم ماین^۳ در آلمان به دنیا آمد و در ۶ اوت ۱۹۶۹ در حالی که تعطیلات خود را در سوئیس می‌گذراند، بر اثر حمله‌ی قلبی و در آستانه‌ی تولّد شصت‌وشش سالگی درگذشت. آموزش فکری آدِرِنو بسیار دشوار بود و از سنین کم آغاز شد. در کودکی، آموزش موسیقی را با نواختن پیانوی چهاردستی، همراه با مادرش که پیانونواز بسیار خوبی بود آغاز کرد و در پانزده سالگی، در یک دوره‌ی مطالعاتی طولانی، رساله‌ی سنجش خرد ناب^۴ نوشته‌ی ایمانوئل کانت^۵ را با همراهی و راهنمایی زیگفرید گراتسائور^۶ (۱۸۸۹-۱۹۶۶) که در آن زمان سردبیر نشریه‌ی فرانکفورتر^۷ و همچنین دوست خانوادگی پدرش بود، خواند و درباره‌ی این

1. Robert Hullot-Kentor

۲. Nietzsche: فریدریش ویلهلم نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰) فیلسوف و شاعر بزرگ آلمانی که آثارش به‌ویژه در حوزه‌ی فلسفه‌ی اخلاق، تأثیر سترگی بر فلسفه‌ی معاصر گذاشت. وی علاقه‌ی بسیاری به موسیقی داشت و در کنار قلم‌فرسایی در این حوزه، آهنگ‌سازی هم می‌کرد.

3. Frankfurt am Main

4. Kritik der reinen Vernunft

۵. Immanuel Kant: فیلسوف و نظریه‌پرداز بزرگ آلمانی (۱۷۲۴-۱۸۰۴)، بنیان‌گذار فلسفه‌ی نقّادی و مهم‌ترین چهره‌ی عصر روشن‌اندیشی در باخترزمین.

6. Siegfried Kracauer

7. Frankfurter Zeitung

رساله‌ی ژرف و دشوارفهم، اما بسیار تأثیرگذار در تاریخ فلسفه‌ی غرب، غور و تفحص نمود. به گفته‌ی خودش، جلسات مطالعه‌ی کانت «سال‌ها» ادامه داشت. گراثسائور و آدِرنو در ۱۹۲۳ به مطالعه‌ی خویشاوندی‌های اختیاری^۱ اثر یوهان وُلَفگانگ فُن گوته^۲ و پس از آن، به خواندن نخستین پیش‌نویس مقاله‌ی والتر بنیامین^۳ درباره‌ی این اثر پرداختند. شکل‌گیری انگاره‌ی دیالکتیکِ منفی^۴، که منحصر به فردترین نگرش فلسفی آدِرنو است و در ادامه‌ی این گفتار بدان خواهیم پرداخت، مدیون این دوره خوانش‌ها و مطالعات است. آدِرنو خود در تأیید این نکته گفته: «اگر بگوییم که بیشتر مدیون این خوانش‌ها هستم تا استادان دانشگاهی‌ام، کوچک‌ترین اغراقی نکرده‌ام»^۵. در کنار آن، آدِرنو از گراثسائور آموخت که مسئله‌ی رنج و مسئولیتِ فلسفه و هنر در قبال آن، یکی از بنیادین‌ترین مسائل در علوم انسانی است. این رویکرد، چنان‌که خواهیم گفت، در نگاه او به زیبایی‌شناسی و به‌ویژه معنای موسیقی، متبلور می‌گردد.

آدِرنو در ۱۹۲۱، زمانی که هیجده‌ساله بود، وارد دانشگاه «یوهان وُلَفگانگ فُن گوته» در فرانکفورت شد و در آنجا به تحصیل فلسفه، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و موسیقی پرداخت. سه سال بعد و در بیست‌و یک‌سالگی، موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته‌ی فلسفه گردید و در همین سال‌ها، دوستی ژرف و اثرگذار خود را با ماکس هورکهایمر^۶ (۱۸۹۵-۱۹۷۳) که در آن زمان هشت سال از آدِرنو بزرگ‌تر بود و همچنین

1. *Die Wahlverwandschaften*

۲. Johann Wolfgang von Goethe: یوهان وُلَفگانگ فون گوته (۱۷۴۹-۱۸۳۲) شاعر، نمایش‌نامه‌نویس، داستان‌نویس، دانشمند، دولت‌مرد، کارگردان تئاتر و منتقد هنری آلمانی، بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین ادیب و نویسنده‌ی آلمانی‌زبان تاریخ که شیفته‌ی اشعار حافظ بود و در دوره‌ای از فعالیت خود می‌کوشید که زبان شاعرانه‌ی «حافظ» را در اشعار آلمانی‌زبان خویش بازتاب دهد.

۳. Walter Benjamin: فیلسوف و منتقد فرهنگی بزرگ آلمانی مکتب فرانکفورت (۱۸۹۲-۱۹۴۰) که مؤلفه‌هایی از انگاری بنیادی آلمانی، ژماتیک‌گرایی، مارکس‌پروی و اساطیر یهودی را در اندیشه‌ی خود با یکدیگر درآمیخت.

4. *Negative Dialektik*

5. Adorno, "Curious Realist," p. 58.

۶. Max Horkheimer: فیلسوف و جامعه‌شناس بزرگ مکتب فرانکفورت (۱۸۹۵-۱۹۷۳) که در کنار آدِرنو، بنیادین‌ترین اندیشه‌های این مکتب، از جمله فلسفه‌ی نفی و دیالکتیک روشن‌گری را بنا نهاد.

Philosophie der neuen Musik

Theodor W. Adorno

«موسیقی، زبان رنج است.»

فلسفه‌ی موسیقی نواثر تئودور آدورنو، فیلسوف و منتقد موسیقی، پس از گذشت سال‌ها از انتشار آن، همچنان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین متون سده‌ی بیستم در حوزه‌ی فلسفه‌ی موسیقی است. آدورنو، در این اثر با نگاهی تیزبین و انتقادی به دو قطب موسیقی سده‌ی بیستم، یعنی آرنولد شوئنبرگ و اِگور شتراوینسکی پرداخته و موسیقی را نه تنها به مثابه یک صورت یا فرم هنری، بلکه به منزله‌ی بازتابی از تحولات اجتماعی و تاریخی بررسی می‌کند. وی با تحلیل سبک‌های آوانگارد و ساختارشکنانه، نشان می‌دهد که چگونه موسیقی می‌تواند مقاومت، سرکوب یا دگرگونی را در دل خود جای دهد و چنانچه نتواند محصولات مبتذل و سطحی تولید کند، چه بسا که سرمایه‌داری را شکست خواهد داد. در این کتاب، او از زاویه‌ای فلسفی و دیالکتیکی به موسیقی نگاه می‌کند و رابطه‌ی آن را با صنعت فرهنگ، انگاره‌باوری و نوگرایی به بحث می‌نشیند. فلسفه‌ی موسیقی نه تنها اثری بنیادین در مطالعات موسیقی است، بلکه دریچه‌ای برای درک عمیق‌تر نسبت به نوگرایی، نقد فرهنگی و نقش هنر در جامعه‌ی معاصر به شمار می‌رود.



@gostarehpub

نقشه‌ن